

بنياد فرهنگي كهزاد

زرير و ياتكار زريرا

احمد علي كهزاد

زریر و یاتکار زریران

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

یکی از پهلوانان بزرگ آریائی دوره اسپه بلخ «زریر» و یکی از مآخذ قیمتدار ادبی و حماسی و تاریخی افغانستان قدیم «یاتکار زریران» است که در روزگار باستان کشور رولی به سزا بازی کرده و با ارتباطی که میان هر دو قائم است، میخوایم در این مقاله چند سطری در اطراف آنها بنویسیم. زریر پهلوان حماسی میدان نبرد و یاتکار زریران شرح کارنامه های رزمی اوست و هر دو، یعنی شخص با رول شخصی خود در میدان جنگ و صحنه حیات و کارنامه اش بحیث مؤخذ ادبی، حماسی و تاریخی و اثرائتیکه در دوره های مابعد افکنده قابل توجه است.

اگر چه قراریکه گفتیم «یاتکار زریران» شرح کارروائی های «زریر» است و به ذات خود خوبتر شخصیت پهلوان را معرفی میکند و به این جهت باید اول از کتاب و باز در پرتو معلومات آن پهلوان را مطالعه کنیم، ولی چون زریر در پاره مؤخذ دیگر هم اسم برده شده و کتاب را شخصیت او بمیان آورده اول به معرفی او میپردازیم.

مسبقیم که یکی از پادشاهان اسپه بلخی حتی معروفترین آنها «ویست اسپه» یا «ویشتاسپه» است که در ادبیات دری بنام «کشتاسپه» هم شهرت دارد و دوره زمامداری او از هر نقطه نظر دوره ممیزه سلطنت دودمان اسپه را تشکیل میدهد. از واقعات برجسته عصر او ظهور زرتشت سپنتمان و آئین اوستائی است که تاریخ تمام دوره اسپه را بعد از او فراگرفته و انقلابی نه تنها در تمام زمینه های حیاتی بلکه در سیر جریان تاریخ کشور ما و این گوشه آسیا بمیان آورده است. از آنجمله آغاز یک سلسله جنگ هائی است که پادشاهان باختری در هر طرف، مخصوصاً در ماورای سرحدات، بجانب شمال شرق متوجه ساخته اند.

وقتیکه ویشتاسپه و ملکه باختری «هوتاوسا» به آئین نو گرائیدند، سائر اعضای دودمان سلطنتی و وزرا و بستگان ایشان این راه را تعقیب کردند.

ویشتاسپه برادری داشت موسوم به «زریر» که از خود شاه نسبت به سن و سال خوردتر و در جوانی و نیرو مرد بی همتا بود. او هم به کیش جدید داخل شد و بعد از اینکه آئین اوستائی در دربار اسپه رسمیت پیدا کرد، شاه با اقدامات رسمی و ارسال مکاتیب، بیگانگان را به قبول آن دعوت نمود و به این علت اول مخالفت ها و بعدتر جنگ هائی میان باشندگان آریانا و همنژادان چادر نشین ایشان در ماورای رودخانه های آمو و سردریا شروع شد و مدت های طولانی دوام کرد. خود شخص شاه، ویشتاسپه درین جنگ ها سهم بارز دارد که در این مقاله بدان تماس زیاد نمیکنیم تا شخصیت زریر معرفی شود.

زریر برادر جوان ویشتاسپه پادشاه آریانا قبل از رزمنامه «یاتکار زریران» در خود اوستا بعد از «یاتکار زریران» در شاهنامه های دقیقی و فردوسی و حتی در قرن چهارم ق.م. در نگارشات مؤرخ یونانی «شارس میتیلینی - Chares de Mitylene» اسم برده شده که جوان رشید و پهلوان نامی و سر عسکر بسیار معروفی میباشد. قراریکه مستر «وست West» میگوید⁽¹⁾ اصلاً اسم او «اسپه یاودا» بوده و میبینیم که مانند سائر دودمان او کلمه «اسپه» در اسم او داخل است. چون جوان رشید و پهلوان نیرومندی بود، اوستا بواسطه شجاعت زیاد او را به صفت «زایری واری» یاد کرده که دارمستتر فرانسوی «زایری» یا «زری» را کلمه «زر» میداند و «واری» را «کمر» یا «کمربند» تعبیر کرده و هر دو کلمه مرکب را «زرین کمر» ترجمه نموده است.

مطالعه صفت «زایری واری» برای ما مهم و قابل اهمیت است و توجیه دیگری هم برای آن داریم که از روی ساختمان و شکل و تلفظ و معنی به شکل قدیم اوستائی و مفهوم آن نزدیکتر است. در سانسکریت کلمه «زره» یا «زهره» «دل» را گویند و بدین ترتیب با «ور» که در زبان دری هم استعمال میشود «زره ور» میشود که معنی آن صاحب دل و گرده و دلاور میشود. این کلمه از سانسکریت به زبان پشتو بصورت «زره ور» هم رسیده است که همان معنی را افاده میکند. قراریکه در فرهنگ نظام جلد سوم، صفحه 72، در باب ماده «دل» شرح داده شده، دل را در زبان اوستائی «زریته Zaretha» گویند. «واری» یا «ویری» شاید همان صورت «ور» باشد که در فارسی و پشتو امروزی «صاحب» معنی میدهد. پس «زری واری» همان «زره ور» یا «دلاور» امروزیست که معنی و مفهوم خارجی و اصطلاحی پیدا کرده و برای تعریف پهلوانان استعمال شده است.

«زیری واری» پهلوان دلاور اوستائی، کسی است که مانند تمام افراد خاندانش داد شجاعت و مردانگی داده و در اسطوره های تاریخی و داستان های حماسی

کشور، خود و پسر و برادر و بستگانش ضرب المثل شجاعت و دلاوری شده اند.

علاوه برین از اسم یا از عنوان پسر او «بسته واری» یعنی «کمر بسته» معلوم میشود که روح پهلوانی و جنگ آزمائی از ممیزات این خاندان بوده است.

اوستا در «آبان یشت» فقره های (112) و (113) از او یاد کرده و متن این دو فقره چنین است:

"زری ویری که سواره عقب مجرای رودخانه «دیتیا» میجنگد به «اردوی سورا اناهیتا» صد اسپ، هزار نرگاو و ده هزار گوسفند تقدیم نموده و چنین استدعا نمود:

ای اردوی سورا اناهیتای خوب! بمن مساعدت کن تا «پشوسینغا» دفن کننده اجساد، هومایاکا پیرو «دیوا» و ارجت اسپه شریر را در مبارزه امپراطوری جهان نابود سازم.

اردوی سورا به او مساعدت ورزید و زریر بعنوان تشکر نوشیدنی ها و قربانی ها و تحایف به او تقدیم نمود."

اگرچه تذکار آبان یشت بسیار کوتاه و مختصر است معذالک بخوبی نشان میدهد که در سلسله جنگ هائی که میان توریاهای بربر و آریائی های باختری شروع شده بود، زریر سهم بارز داشت و عقب مجرای رودخانه «دیتیا» یعنی در شمال آمو دریا با رؤسای توریائی⁽²⁾ مانند ارجت اسپه، «پشوسینغا» و «هومایاکا» سخت جنگیده است.

در قرن چهارم ق.م. «شارس مستیلینی» که ریاست تشریفات دربار اسکندر را داشت، افسانه قشنگ عشقی راجع به «زریادریس Zariadres» و «اوداتیس Odatis» زیبا، دختر پادشاه «ساس Saces» ها شنیده و در خاطرات خود قید کرده است. این «زریادریس» به اکثر احتمالات همان «زری ویری» اوستا و «زریر» داستان های جدید است. «اوداتیس» نامی است که بار اول در سرودهای ریگ وید تذکار شده و زیبایی او در سرود ویدی هم قدیم ترین داستان عشقی آریائی را در حوزه رود «گوماتی» یعنی «رود گومل» بمیان آورده است. این داستان در شماره اول سال دوم مجله آریانا منتشر شده است. «اوداتیس» دختر قشنگ پادشاه ساس ها یا «ساک» ها حتماً کسی دیگری است که با «زریادریس» افسانه قشنگ عشقی دیگری بمیان آورده و تعلقات او با «زری ویری» اوستائی خالی از مناسبت نیست زیرا زریر با جنگ هائی که در ماورای آمو بعمل آورده با اقوام اسکائی و سیت و غیره که

در بین وقت‌ها در ماورای سر دریا بود و باش داشتند، تماس حاصل کرده است. «شارس میتلینی» این داستان را در عصر خود چنین شنیده که «زریادریس» و «اوداتیس» یکدیگر را بخواب دیده و عاشق یکدیگر شده‌اند و مدتی دیوانه وار یکدیگر را می‌پالیدند تا روزی در طی مراسم جشن با شکوهی دختر پادشاه ساس محبوب خود را با تغییر لباس میبند و میشناسد. «شارس» مذکور مینگارد که این داستان در میان بربرهای آسیای کمال شهرت دارد و تصاویر این دو عاشق دل‌باخته در دیوارهای قصرها و حتی در خانه‌های خصوصی اشخاص نقش است.

«بن و نیست» مینگارد که کارروائی‌های زریر و کشته شدن او در جنگ‌های ارجاسپ و تذکار مختصر او در پشت‌های اوستا کمال قدامت تذکار این پهلوان را نشان میدهد و وانمود میکند که سرچشمه یک سلسله داستان‌ها که چیزی از بین رفته و چیزی در دست است، همین متن اوستا است که با «یاتکار زریران» در قرن ششم مسیحی ظهور میکند. به عقیده همین مدقق «دقیقی» از روی متن پهلوی کتاب اخیر الذکر داخل جزئیات شده شخصیت پهلوان، واقعات زندگانی و کارنامه‌های جنگی او را تصویر میکند و فردوسی برای رقابت با همکار متقدم خود این اشعار را عیناً تکرار مینماید. پس منبعی که خوبتر بر «زریر» و کارنامه‌های او روشنی می‌اندازد و مؤلفین شاهنامه‌ها هم از آن استفاده کرده‌اند، همین «یاتکار زریران» است. قراریکه از روی این اثر معلوم میشود بعد از ظهور آئین زرتشتی، جنگی میان پادشاه اسپه و شاه و رؤسای خیونی توریائی بر اساس کیش و آئین شروع شده است. از طرف خیونی‌ها «وی درفش» و «نامخست» پسر «هزار» با بیست هزار سرباز و پیامی به دربار ویشتاسپ آمدند. ویشتاسپ قاصد را پذیرفت و «اورهام» منشی دربار پیام خیونی‌ها را بحضور پادشاه اسپه قرائت کرد که خلص مقصد آن چنین بود: اعلیحضرتا! شنیده ایم که شما به آئین هر مزد گرویده و از دیوهای ما روگردانیده‌اید. اگر این روش را نگذارید به جنگ شما حاضریم. درین فرصت زریر دلاور و سردار مغرور آریائی به قصر شاهی حاضر شده و گفت: اعلیحضرتا! اجازه بدهید که جواب ایشان را به نحوی بنویسند که ما برای جنگ حاضریم و سرنوشت شریرها را معین خواهیم کرد. «اورهام» مهر سلطنتی را در پایان نامه زده و قاصد‌ها را رخصت کرد. امر تجهیزات عمومی داده شد و از ده ساله تا هشتاد ساله همه مردان کاری و جنگ آزموده مملکت پیاده و سوار و راننده عراده‌های جنگی مسلح با تیر و تبر و نیزه و گرز در پیرامون قصر ویشتاسپه جمع شدند. زریر بحیث سرعسکر قوای آریائی در عراده جنگی جا گرفت. ویشتاسپه وزیر دانشمند خویش «جم اسپه» را خواسته و عاقبت جنگ را از او پرسان نمود. جم اسپه از روی نجوم پیش

گوئی نمود که زریر دلاور به خدعه بدست «ویدرفش» جادو و کشته میشود. ویشتاسپه امر داد تا قلعه مستحکمی بسازند. اولاد و برادران کوچک خود را در آنجا گذاشت و با مردان جنگی مانند «زریر» و «پتوسراوا» و «فراشاورتا» و توده سپاه به کنار رودخانه آمو حرکت کرد. زریر مانند «اتاریزت»⁽³⁾ که در نیستانی بیافتد و باد هم با او همدست شود، بر دشمن حمله نمود. [یعنی مانند آتش و باد حمله ور شد]

ارجاسپ پادشاه خیونی ها که صحنه جنگ را تماشا میکرد به قشون خود وعده داد که هر کسی این پهلوان متهور را بکشد «زرستان» دختر خود را به او خواهد داد و اگر کسی به کشتن او اقدام نکند بزودی تمام قشون خیونی از بین خواهد رفت. درین وقت «وی درفش» جادوگر با ژوبین زهرآب دار داوطلب شده و چون از مقابل به پهلوان دلاور باختری مقابل شده نمیتوانست از عقب و بصورت ناگهانی حمله کرد. زریر را بر زمین زد و کشت. ویشتاسپه که از بالای کوهی میدان جنگ را تماشا میکرد از کشته شدن زریر اندهگین شده و به پهلوانان خود خطاب کرد که هر کس قاتل زریر را بکشد دختر خود «هومک» را به او خواهد داد. درین وقت «بست وار» پسر زریر میخواست آمده و ببیند که آیا براستی پدرش کشته شده یا خیر. چون سن اش هنوز متقاضی رفتن به میدان جنگ نبود، ویشتاسپه او را اجازه نمیداد. بست وار بصورت مخفی آمده و بعد از شکستن صفوف دشمن خود را بر سر نعش پدرش رسانید و مجدداً به محضر ویشتاسپه مراجعت کرده و به شاه گفت که قشون ما قرین فتح است، پدر دلاور من کشته شده و بمن اجازه بدهید تا انتقام او را بگیرم. به مشوره جام اسپه وزیر، ویشتاسپ شاه برادرزاده اش «بست وار» را اجازه داد و بجای پدرش سرعسکر قوای آریائی شد. بست وار قاتل پدر خویش را بقتل رسانید و لباس و خود و زره او را از ویدرفش پس گرفت. ارجاسپ شاه خیونی برای تشویق، دختر دیگر خود «وستان» را به زنی به پهلوانان خود عرضه کرد. بست وار میجنگید و بهر طرف حمله میکرد تا بجائی رسید که «گرامیک کرت» «درفش پیروزان» یعنی «درفش پیروزی» را به دندان گرفته و میجنگید. «سندات» پسر ویشتاسپ شاه هم درین وقت وارد میدان شده و هر سه پهلوان در سایه پرچم پیروزی داد مردانگی را به خیونی های شریر نشان دادند.

بدین منوال «یادتکار زریران» راجع به موقعیت و صورت جنگ و کشته شدن زریر و صورت انتقام گیری او معلومات دقیقی میدهد که عین آنرا دقیقی و باز فردوسی شرح داده اند. زریر بعد از نشان دادن شجاعت های زیاد به حيله از دست «بیدرفش» پهلوان خیونی کشته شده و بست وار و اسفندیار و گرامی

پسر و برادر زاده اش و یکنفر دیگر از پهلوانان نامی آریائی انتقام او را میکشند.

بیانیم به شرح و چگونگی «یاتکار زریران». این کتاب طوری که از نام آن معلوم میشود کتابی است که کارنامه های زریر را ترسیم میکند یعنی «یاتکار زریران»، «یادگار زریر» یا «خاطرات زریر» است. این اثر رساله ایست تاریخی، رزمی و حماسی که با پشت های اوستا، مخصوصاً با قسمت هائی که از جنگ های ویشتاسپه و زریر برادرش با توریا ها صحبت میکند، یکجا شده و در قسمت اسطوره های تاریخی کشور ما روشنی زیاد میاندازد. یاتکار زریران رساله ایست شامل سه هزار کلمه و موضوع آن قراریکه پیشتر دیده شد سراسر شرح جنگهائی است که میان ویشتاسپه پادشاه دودمان اسپه آریانا و ارجاسپ شاه خیونی توریائی بعمل آمده و علاوه بر فعالیت و رشادت پادشاه و پهلوانان رشید آریانا مختصراً به امور دربار و اسحه و تجهیزات لشکری و غیره روشنی می اندازد.

مستر «وست»⁽⁴⁾ یاتکار زریران را «شاهنامه گشتاسپ شاه» و «شاهنامه پهلوی» خوانده و قراریکه خلص مندرجات آنرا شرح دادیم شاهنامه کوچکی برای گشتاسپ شاه شده میتواند ولی چون پهلوان عمده صحنه رزم هائی که کتاب مذکور شرح میدهد «زریر» است، بنام خود پهلوان به «یاتکار زریران» موسوم شده است و میتوان آنرا «زریر نامه» هم خواند.

«یاتکار زریران» طوریکه امروز در دست است به پهلوی ساسانی در قرن ششم مسیحی نوشته شده و این رساله را «میتروایان کیخسرو» از روی نسخه پدر جد خود «رستم میتروایان» و او از روی نسخه «دینو پانه» نقل کرده است.

یاتکار زریران به نظم است و اشعار آن هفت «سیلابی» میباشد. علمائی که در زبان پهلوی شناسائی و اختصاص دارند به این عقیده اند که اصلاً این اثر بزبان پهلوی پارثی (پهلوی خراسانی) نوشته شده بود و این نظریه کم کم از روی لغات قدیمه و ترکیب کلمات و اضافت و دیگر ممیزات متن موجوده آن بمیان آمده است. موسیو «پلبارو» پهلوی شناس ایتالوی به ملاحظه میرساند که از نقطه نظر صرف و نحو و لغات قدیمه عوامل متعددی در آن است که به قدامت آن حکم میکند. به این اساس و پاره مطالب دیگر موسیو «بن ونیست» فرانسوی به این نتیجه میرسد که رساله «یاتکار زریران» که فعلاً به پهلوی

ساسانی در دست است از روی کدام رساله ئی که اصلاً بزبان پهلوی پارسی یا ارساسی نوشته شده بود، تحریر و تحریف شده است.

پارت ها که مؤسس دودمان آنها «ارساس بلخی» است در تشکیل دولت مقتدر و آزاد ساختن خراسان غربی از سلطه یونانی های شامی و احیای مفاخر ادبی و مذهبی خراسان کوتاهی نکردند. چون زبان یونانی در دربار و در عصر آنها خیلی رواج داشت، صورت اصلی فعالیت های آنها در احیای ادب مربوطه خاک خود کشور پوره معلوم نیست و شواهد زیادی هم از آن دوره باقی نمانده است. آنچه تازه دسته ئی از مدققین میگویند از مبحث نوینی آگاهی میدهد که با تحقیقات آینده اهمیت بیشتری کسب خواهد کرد. بهر حال اینقدر میدانیم که اولین جنبش جمع آوری اوستا در عصر پادشاه پارسی «ولخش» یا «ولجس» اول شروع شده و چون پارت ها از عصر فتوحات اسکندر آنقدر زیاد فاصله نداشتند، اقدامات آنها در جمع آوری آثار و مؤاخذ باستانی مؤثرتر بود.

باوجودیکه متاسفانه مؤاخذی از عصر پارسی در دست نیست با مطالعاتی که «بن ونیست» در دو اثر «درخت آشورک و بز» و «یاتکار زیریران» بعمل آورده، اظهار مینماید که فعالیت های ادبی عصر پارسی خیلی ها مهم بوده و این فعالیت ها در زمینه های تهذیب دوره های بعد مخصوصاً عصر ساسانی تاثیر زیاد افکنده است.⁽⁵⁾ **مجله آریانا، شماره دوم، سال دوم، شماره مسلسل 14، اول حوت 1322، کابل /**

یادداشت:

- 1- صفحه 46 مقاله «وست West» در Grundrisse der Iranischen Philologie
- 2- توریها آریائی و به اساس داستان ها احفاد «تور» هستند.
- 3- رب النوع آتش.
- 4- صفحه 117 و 118 مجموعه فیلولوژی ایرانی.
- 5- مراجعه شود به مقاله خاطرات زیریر بقلم «بن ونیست» در شماره 2 ماه اپریل 1932.

/نشر مجدد 27 آگست 2011 بنیاد فرهنگی کهزاد/